



تعلیق حکم یک روزنامه نگار

سارا معصومی، روزنامه‌نگار حوزه بین‌الملل خبر داد. حکم دادگاه بدوی اش تعلیق شد. او در ایکس (توییتر سابق) در این مورد نوشت: «حکم تجدیدنظر بر حکم اولیه صادر شد: مجازات ۶ ماه حبس تعزیری و ۲ سال محرومیت از کار خبرنگاری هر دوی به مدت ۲ سال تعلیق شدند. با تشکر از آقایان ابوالفضل حمزه و علی مجتهدزاده که در این پرونده وکالت من را برعهده داشتند. سیاس از همکاران و دوستانی که حمایت خود را دریغ نکردند.» او پیش‌تر از محکومیت خود به ۶ ماه حبس، ۱۵ میلیون تومان جزای نقدی و دو سال محرومیت از کار خبرنگاری خبر داده بود. این حکم از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب و به اتهام «نشر مطالب خلاف واقع» برای سارا معصومی صادر شده است. به گفته علی مجتهدزاده، وکیل این خبرنگار، مصداق این اتهام، «گزارش ضابطان» و «نشر یک توثیت درباره ارمیتا گراوند» عنوان شده بود.



مورفی و اوپنهایم در خشیدن

انجمن بازیگران آمریکا با معرفی برندگان ۲۰۲۴ به «اوپنهایم» در بخش سینما و «جانشین» و «خرس» در بخش تلویزیون جایزه داد. مهر ضمن اعلام این خبر به نقل از ویرایتی نوشت، «اوپنهایم» در سی‌امین دوره اهدای جوایز انجمن بازیگران سینما هم جایزه بهترین گروه بازیگران را برد، هم کیلین مورفی برای نقش اصلی و رابرت داوونی جوینور برای نقش مکمل جایزه دریافت کردند. این فیلم درام که با تمرکز بر جی رابرت اوپنهایم و ساخت بمب اتمی ساخته شده، تابستان امسال گیشه‌ها را فتح کرد و یکی از نامزدهای اصلی جوایز اسکار است که به زودی برگزار می‌شود. بازیگران سریال «جانشین» شبکه HBO هم با پشت سر گذاشتن آخرین فصل این سریال به‌عنوان بهترین گروه بازیگران یک سریال درام و «خرس» از شبکه اف ایکس هم که نگاهی پرفشار به زندگی رستوران داری دارد، جایزه بهترین گروه بازیگران یک سریال کم‌دی را کسب کردند.



معضل ایمنی کودکان در متا

مارک زاکربگ، مدیرعامل متا، در تلاش است تا از مسئولیت‌های حقوقی شخصی در پرونده‌های قضایی درباره اعتیاد کودکان به شبکه‌های اجتماعی مثل اینستاگرام اجتناب کند. قانونی وجود دارد که مدیران اجرایی را از مسئولیت شخصی محافظت می‌کند. اگر زاکربگ شخصاً از مسئولیت در قبال چنین شکایاتی معاف شود، دادگاه همچنان متا را مسئول می‌داند. همچنین گزارش‌ها حاکی از آن است که در برخی از حساب‌های کاربری، والدین از برخی کودکان زیر ۱۳ سال محتوای نامناسبی منتشر کرده‌اند و متا به گزارش‌ها درباره این محتواها، واکنشی نشان نداده است. دیجیتاتو ضمن اعلام این خبر نوشت، براساس گزارش NBC، در دادگاه اخیر شرکت متا درباره اعتیاد کودکان به اینستاگرام، تیم حقوقی مارک زاکربگ حاضر شدند ولی او شخصاً در این دادگاه نبود. مدیرعامل متا متهم شد که کودکان را به شبکه‌های اجتماعی معتاد کرده است. در شکایت‌های خانواده‌ها و مدارس از ۱۵ ایالت مختلف، ادعا شد که اقدامات وی عملی‌های زاکربگ منجر به اعتیاد کودکان شده و این امر به آن‌ها آسیب رسانده است.

بخش اول گفت‌وگو با احمد زیدآبادی

به مناسبت انتشار کتاب «نام و ننگ سال‌های زردفام»

# پیش‌بینی می‌کردم با شکست اصلاحات براندازان موقعیت پیدا کنند



فرزاد نعمتی خبرنگار گروه فرهنگ

در طول سال‌های گذشته اتوبیوگرافی‌های احمد زیدآبادی، روزنامه نگار و تحلیلگر سیاسی، با استقبال قابل توجهی مواجه شده است. سه جلد نخست این نوشته‌ها با نام‌های «از سرد و گرم روزگار»، «بهار زندگی در هوای تهران» و «گرگ و میش هوای خردادما» را نشر «نی» منتشر کرد. جلد‌های چهارم و پنجم این زندگینامه را اما زیدآبادی ترجیح داد در کانال شخصی خود در تلگرام منتشر کند. جلد چهارم «بندی خانه رنج و رهایی»، شرحی از دوران زندان هفت ماهه او در سال ۱۳۷۹ و خاطرات سال نخست دهه ۱۳۸۰ است. اما جلد پنجم که به تازگی منتشر شده و «نام و ننگ سال‌های زردفام» نام گرفته است، وقایع شش ساله از ابتدای زندان دوم زیدآبادی در فروردین ماه سال ۱۳۸۲ تا لحظه دستگیری در ۲۳ خردادماه سال ۱۳۸۸ را دربرمی‌گیرد و حوادث فراوانی از شش ماه حبس در سالن ۶ زندان اوین تا رویدادهای منجر به انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ را شامل می‌شود. با او درباره همین کتاب اخیر گفت‌وگو کردیم و به مرور و بررسی روند حوادث در دهه ۱۳۸۰ پرداختیم؛ گفت‌وگویی که در دو بخش و در شماره‌های امروز و فردای روزنامه تقدیم خوانندگان «هم میهن» خواهد شد.

برای کسی که با خاطرات شما پیش آمده است، شاید این کتاب یک ویژگی غافلگیرکننده داشته باشد. کتاب به عصری از زندگی شما اختصاص دارد که متناسب با تحولات زمانه انگار باید میزان هیاهو و اعتراض کمتر باشد. جز این، آرامشی که در شخصیت شما در خاطرات پروانده شده است و به‌خصوص در جلد قبلی خاطرات و در فصول زندان خود را نشان داد نیز مزید بر علت می‌شود که وقتی مخاطب کتاب را با این پاراگراف طوفانی شروع می‌کند که شما در مصاحبه‌ای با یک رادیوی خارجی مشکل اصلی قوه قضائیه را «شخص سید محمود هاشمی شاهرودی» رئیس وقت این قوه دانسته‌اید، از خود بپرسد در آغاز دهه ۱۳۸۰ چه اتفاق خاصی رخ داده است که زیدآبادی چنین لحن و بیانی به خود گرفته است؟

شخصیت من به یک معنا آرام و به یک معنای دیگر سرشار از هیجان است. در آن دوران ما برای اصلاحات در ایران تلاش می‌کردیم و این خاطرات به دورانی اختصاص دارد و از جایی شروع می‌شود که دیگر امیدی به پیشرفت اصلاحات وجود ندارد و آنچه ما نگارنش بودیم در حال وقوع بود. من در این دوران به‌طور مشخص می‌دیدم که عواقب این امر چقدر می‌تواند سخت، نگران‌کننده و خطرناک باشد. بنابراین از شدت تأثر و ناراحتی، زبانم نیز متأثر از این نگاه، بی‌پروا تر و هجانی تر شد. البته من همیشه بابتی پروایی صحبت می‌کردم و نسبت به بیان نظر و افکار و اعتقاداتم رادیکال یا صریح بودم. هستم و بر آنم که نظر آدمی باید صریح و بدون ملاحظه بیان شود. بقیه را نیز تقریباً به همین دعوت می‌کنم. در استراتژی اما اینگونه نیستیم زیرا اینجا بحث انجام عملی است که عواقبی برای افراد و کشور در پی دارد. من در این مقام حتی می‌شود گفت، آدم محتاط و چمبسا محافظه‌کاری هستم. برخی این دو موقعیت را خلط می‌کنند. در ذهن من اما همیشه میان این دو وضعیت، تفکیکی وجود دارد.

تفکیکی میان نظر و عمل؟

شاید بهتر باشد بگوییم، تفکیکی میان نظریه و استراتژی. البته در دوره امید به پیشرفت اصلاحات نیز من سخنرانی‌های غرابی داشتم که متن شان را در کتاب نیاورده‌ام و به این اکتفا کرده‌ام که بگویم سخنرانی‌های پرشور و مملو از عواطف تکان دهنده بود. ولی نتیجه‌ای که از این سخنرانی‌ها می‌گرفتم این نبود که چون اوضاع چنین نیست، پس باید وضع سلوغ کرد و دست به حرکات و اعمال رادیکال زد. نه، ته آن بحث‌ها همیشه به راهکاری فکر شده، مطمئن و کم‌هزینه برای جامعه می‌اندیشیدم.

شما در این دوران از عضویت در هیئت‌های تحریریه و احزاب و کانون‌ها سخن به میان می‌آوردید. در عین حال انگار همه‌جا در پی فردیت خاص خودتان هستید و چندان نمی‌توان شما را به‌طور کامل هم‌تا با آن جمعیت‌ها دانست. این رویه حتی در ادوار تحکیم وحدت نیز دیده می‌شود. این فردگرایی چقدر با اقتضائات فعالیت سیاسی در ایران تناسب دارد؟

من فردگرا هستم بدین معنا که اصولاً فردیت رشدیافته را مناسب کار جمعی و اجتماعی می‌بینم. در ایران به اشتباه تصور شده است که فردیت رشدیافته، یعنی خودخواهی و پیگیری منافع شخصی. این در حالی است که فردیت رشدیافته به‌معنای انسانی است که از برخی حاشیه‌ها عبور کرده و توانسته است خود را برای وضعیتی بسازد که اولاً در هیچ سازمانی منحل نشود، ثانیاً در خدمت جامعه و خیر عمومی باشد. اصل اول فردگرایی این است که هر فردی، یک غایت فی‌نفسه است و نباید در هیچ امری مستحیل شود. این عدم‌استحاله همیشه با من بوده است و تاکنون هرکجا بوده‌ام، نظم را داده‌ام و چالش کرده‌ام تا تصمیم گرفته شود. اگر یک تصمیم جمعی خلاف امور وجدانی یا اصول تحلیلی‌ام باشد، واقعیت این است که در این موارد خیلی تمکین نمی‌کنم و به آرامی راه خود را بدون به

راه انداختن دعوای مرسوم سیاسی، جدا می‌کنم. اما آنجایی که یک تصمیم جمعی را مثلاً نمی‌پسندیدم اما به وجدان یا مبنای تحلیلیم آسیب نمی‌زد، تسلیم‌رأی اکثریت می‌شدم. به هر روی من هم تحصیلات آکادمیک داشتم، هم در حوزه پیگیری اخبار روز و تحلیل‌های مطبوعاتی؛ آن هم نه فقط در حوزه داخلی بلکه در حوزه منطقه‌ای و بین‌المللی. از بسیاری دوستان دیگر پیگیرتر بودم. به‌همین دلیل اشراف مناسبی بر اخبار و رویدادها داشتم. این در کنار آن سابقه تحصیلی هم کمک می‌کرد که تحلیل‌های روشن‌تری به‌زعم خود داشته باشم. بنابراین با چنین وضعیتی نقشی که برای خودم قائل بودم متقاعدسازی دیگران بود و در بحث سعی می‌کردم کار از طریق متقاعدسازی پیش رود. برخی مواقع این امر مخدوش می‌شد و من نیز در چنین وضعیت‌هایی کار خودم را انجام می‌دادم. از قضا در ادوار تحکیم وحدت، کار با متقاعدسازی پیش رفت و طبیعی است اگر ابتکاری از طرف دانشجویان و جوانان مطرح می‌شد، استقبال می‌کردم. البته خب طبیعی است که سن و سال و تجربه من بیش از دوستان جوان‌تر بود و این خود، نقشم را غلبت‌تر می‌کرد.

در برخی تجربه‌ها هم لاقول در میان شخصیت‌های سیاسی تک و تنها به‌نظر می‌رسید. برای نمونه در انتخابات ۱۳۸۴ این رویکرد شما که خوب است مدتی از رویکرد انتخاباتی به سیاست در ایران پرهیز کنیم، چندان از زبان نیروهای سیاسی شنیده نمی‌شد و حامیان عمده ایده شما، دانشجویان بودند. با چنین رویکردی بعدتر چگونه می‌توانستید تعامل خود با نیروهای سیاسی را حفظ کنید؟ چگونه چنین فضایی را تان می‌آوردید و چگونه تاب آورده می‌شدید؟ یا نمونه‌های دیگر. نگاه و نگرش اکبر گنجی بسیار رادیکال‌تر از شما بود اما در همان دوران فعالیت‌های شدید او و بعد از آزادی از زندان، همان‌طور که در خاطرات نوشته‌اید، با شما به‌گشت‌وگذار می‌پرداد.

گنجی که بیرون آمد سفر رفتیم، اما در تهران با هم بیشتر چرخ می‌زدیم. در اوایل آزادی، دوروبر او کمی خالی بود و ما هم با یکدیگر سابقه‌ای داشتیم و به هر روی با هم مدتی هم‌بند بودیم. این بود که مثلاً وقتی قرار شد به مرحوم امیرانتظام سری بزنیم، با هم رفتیم. تلاش من همواره این بوده و هست که اختلاف فکری و تحلیلی را از روابط شخصی جدا کنم. بنابراین دوستان من لزوماً همفکرانم نیستند. برخی دوستان شان را از بین همفکران خود انتخاب می‌کنند. من دوستی با آدم‌ها را براساس منش و خصایل اخلاقی، مرزهای وجدانی و سلامت آنها انتخاب می‌کنم. بنابراین اختلاف‌های فکری و سیاسی برای من در حکم دعوا نیستند و می‌گویم نزاع‌های فکری و سیاسی را زهرآگین و شخصی نکنم و اگر غفلتاً در این دام بیفتیم، یا پس می‌کشم و به‌نحوی جبران می‌کنم. این البته بسیاری را متعجب می‌کند. برای نمونه می‌گویند چرا زیدآبادی از قلاتی که مخالف دیدگاه اوست یا در فلان مطلب به او تاخته است، دفاع می‌کند. برخی از این دفاع کردن‌ها، دفاع از تحلیل و نگاه طرف نیست، بلکه دفاع از روی دوستی، انسانیت، رفاقت و نقض حقوق شخص موردنظر است. به‌همین دلیل رابطه من با وجود همه این اختلاف‌ها، با عموم نیروهای سیاسی معمولاً خوب بود و هیچ‌وقت دچار مشکل بنیادین با سیاسیون نشدم. البته بر نظرم پافشاری می‌کردم اما احترام افراد را نیز مراعات می‌کردم.

حتی در ذکر خاطره مناظره‌های دوران احمدی‌نژاد هم می‌نویسید که انگار استراتژی اصلی‌تان این است که مناظره‌ها برنده و بازنده قطعی نداشته باشد. برای نمونه مناظره‌ای که با آقای روح‌الله حسینیان داشتید. نگاه‌تان این بود که مناظره‌ها تداوم پیدا کند و این روند نهادینه بشود؟ بله این نگاه را به‌صورت کم‌رنگی داشتم و الان غلبت‌تر هم شده است. نکته‌پزنی و طعن‌زنی کار سختی نیست به‌خصوص برای من که ریشه زیدآبادی دارم و در فرهنگی سرشار از نکته‌پزنی زیسته‌ام. اما هدف از مناظره کم کردن روی طرف مقابل نیست. مناظره دعوی گلا دیاتوری نیست که تمامش‌چیان را به هیجان آورد. قرار است با مناظره اگر می‌شود به تفاهم رسید و اگر این ممکن نشد، لاقول برای مخاطب روشنگری کرد. زمانی نیز من با محسن آرمین مناظره قلمی شدیدی داشتم. پس از آن ماجرا وقتی برای مناظره‌ای با او راهی دانشگاه تهران شدم، همه انتظار داشتند بحث تندی شکل بگیرد. من اما در همان آغاز مناظره گفتم، قرار